

احکام عملی قرآن

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی

www.saanei.org
www.feqh.org

احکام عملی قرآن

حضرت آیه الله العظمی صانعی «مد ظله العالی» (

- (مسئله ۱) نجس کردن خط و ورق قرآن و جلد مخصوص آن، حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند.
- (مسئله ۲) گذاشتن قرآن روی عین نجس، مانند خون و مُردار، اگرچه آن عین نجس خشک باشد، حرام است؛ و برداشتن قرآن از روی آن واجب می باشد.
- (مسئله ۳) نوشتن قرآن با مرکب نجس، اگرچه یک حرف آن باشد، حرام است و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود.
- (مسئله ۴) دادن قرآن به کافر، فی حدّ نفسه مانعی ندارد.
- (مسئله ۵) اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است (مثل کاغذی که اسم خدا یا پیامبر(صلی الله علیه وآله) یا امام(علیه السلام) بر آن نوشته شده)، در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن — هر چند با تخلیه آن اگرچه خرج داشته باشد —، واجب است؛ و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است؛ و نیز اگر تربت در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده اند به کلی از بین رفته، به آن مستراح نروند.
- (مسئله ۶) استعمال بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن، اگر از طلا یا نقره باشد، اشکال ندارد و همچنین است عطردان و سرمه دان و مثل اینها.
- (مسئله ۷) برای شش چیز وضو گرفتن لازم است:
۱. برای همه نمازها غیر از نماز میت؛
 ۲. برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز، حدّثی از او سرزده باشد، مثلاً بول کرده باشد؛
 ۳. برای طواف واجب خانه کعبه؛
 ۴. اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد؛
 ۵. اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خطّ قرآن برساند؛
 ۶. برای کسی که لازم است و یا مجبور باشد که دست یا جای دیگر بدن خود را به خطّ قرآن برساند.
- (مسئله ۸) مس نمودن خطّ قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، برای کسی که وضو ندارد، حرام است؛ ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگری ترجمه کنند، برای مسّ آن وضو لازم نیست.
- (مسئله ۹) جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست؛ ولی اگر مس نمودن آن بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری کنند.
- (مسئله ۱۰) مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (علیهم السلام) وضو بگیرد؛ و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مسّ حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو گرفتن مستحب است؛ و نیز کسی که وضو دارد مستحب است دوباره وضو بگیرد؛ و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد، مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند.
- (مسئله ۱۱) پنج چیز بر جُنُب حرام است:
۱. رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن یا به اسم خدا؛ همچنین اسامی مبارک پیامبران و امامان و حضرت زهرا (علیهم السلام)، به احتیاط واجب، حکم اسم خدا را دارد؛
 ۲. رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلی الله علیه وآله)، اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود؛
 ۳. توقّف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد؛ و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان (علیهم السلام) هم توقّف نکند، بلکه مطلقاً داخل نشود؛
 ۴. گذاشتن چیزی در مسجد؛
 ۵. خواندن سوره ای که آیه سجده واجب دارد، و سوره های سجده دار عبارت اند از: سوره سی و دوم قرآن (سجده)؛ سوره چهل و یکم (فصلّت)؛ سوره پنجاه و سوم (نجم)؛ سوره نود و ششم (علق)؛ و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند، حرام است.
- (مسئله ۱۲) ثُه چیز بر جُنُب مکروه است:

۱ و ۲. خوردن و آشامیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد، مکروه نیست؛

۳. خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره های که سجده واجب ندارند؛

۴. رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن؛

۵. همراه داشتن قرآن؛

۶. خوابیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، بدل از غسل یا وضو تیمم کند، مکروه نیست؛

۷. خضاب کردن به حنا و مانند آن؛

۸. مالیدن روغن به بدن؛

۹. جماع کردن بعد از آنکه محتمل شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

(مسئله ۱۳) غسل جنابت به خودی خود، مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن، واجب می شود؛ ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن، غسل جنابت لازم نیست.

(مسئله ۱۴) کسی که جُنب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، دست زدن به آن نوشته حرام است، و اگر بخواند غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

(مسئله ۱۵) برای کسی که بعد از مسّ میت، غسل نکرده است، توقف در مسجد، جماع و خواندن سوره های که سجده واجب دارد، مانعی ندارد؛ ولی برای نماز و کارهایی که نیاز به وضو و طهارت دارد باید غسل کند.

(مسئله ۱۶) مستحبّ است برای راحت شدن مختضر بر بالین او سوره مبارکه «یس»، «الصافات»، «احزاب»، «آیه الكرسي»، «آیه پنجاه و چهارم از سوره اعراف» و «سه آیه آخر سوره بقره»، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخواند.

(مسئله ۱۷) خوب است به امید اینکه مطلوب پروردگار است، کسی که میت را در قبر می گذارد، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ و اگر میت زن است، کسی که با او محرم می باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد، خویشانش او را در قبر بگذارند.

(مسئله ۱۸) خوب است به امید اینکه مطلوب پروردگار است، قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلندتر کنند و نشانه ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی قبر آب بپاشند، و بعد از پاشیدن آب کسانی که حاضرند، دستها را بر قبر بگذارند و انگشتها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ أَصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ».

(مسئله ۱۹) مستحبّ است انسان در مرگ خویشان، مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میت را یاد می کند «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید؛ و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواند و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود.

(مسئله ۲۰) گفتن «اللّه اکبر» در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید حروف «اللّه» و «اکبر» و دو کلمه «اللّه» و «اکبر» پشت سر هم گفته شوند و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شوند و اگر به عربی غلط گفته شود، یا مثلاً کسی ترجمه آن را به فارسی بگوید، صحیح نیست.

(مسئله ۲۱) اگر انسان بخواند «اللّه اکبر» را به چیزی که بعد از آن می خواند، مثلاً به «بسم الله الرحمن الرحيم» بچسباند، باید حرف «ر» در کلمه «اکبر» را ضمّه «پیش» بدهد.

(مسئله ۲۲) اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان ناچار شود که سوره را بخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر درکاری عجله داشته باشد، می تواند سوره را نخواند.

(مسئله ۲۳) اگر نمازگزار عمداً «سوره» را پیش از «حمد» بخواند، نمازش باطل است و اگر اشتهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

(مسئله ۲۴) اگر انسان، حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

(مسئله ۲۵) اگر نمازگزار در نماز واجب، یکی از چهار سوره ای را که آیه سجده دارد و گفته شد عمداً بخواند، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۶) اگر کسی اشتهاً مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد، باید در بین نماز با اشاره، سجده آن را به جا آورد و به همان سوره ای که خوانده، اکتفا نماید.

(مسئله ۲۷) اگر انسان، در نماز آیه سجده را بشنود و به اشاره سجده کند، نمازش صحیح است.

(مسئله ۲۸) اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» شود، نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند؛ ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه، اگر از روی فراموشی به جای سوره «جمعه» و «منافقون»، یکی از این دو سوره را بخواند، تا از نصف نگذشته، می تواند آن را رها کند و سوره «جمعه» یا «منافقون» را بخواند.

(مسئله ۲۹) اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» بخواند، اگرچه به نصف نرسیده باشد، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند رها کند و سوره «جمعه» و «منافقون» را بخواند.

(مسئله ۳۰) اگر در نماز، غیر از سوره «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده می تواند رها کند و سوره دیگری بخواند.

(مسئله ۳۱) اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری، مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر، نتواند آن را تمام نماید، می تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند، اگرچه از نصف گذشته باشد یا سوره ای را که می خوانده «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» باشد.

(مسئله ۳۲) اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند — مثلاً آنها را با فریاد بخواند — نمازش باطل است.

(مسئله ۳۳) اگر انسان یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی، حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض»، «ظ» بگوید یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهد یا تشدید را نگوید، نمازش باطل است.

(مسئله ۳۴) اگر انسان زیر و زبر (اعراب) کلمه ای را نداند باید یاد بگیرد، ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جایز است، همیشه وقف کند، یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست و نیز اگر نداند مثلاً کلمه ای به «س» است یا به «ص» باید یاد بگیرد و چنانچه دو شکل یا بیشتر بخواند، مثلاً در «اهدنا الصراط المستقیم»، مستقیم را یک مرتبه با «سین» و یک مرتبه با «صاد» بخواند، نمازش باطل است، مگر آنکه هر دو شکل قرائت شده باشد و به امید رسیدن به واقع، بخواند.

(مسئله ۳۵) اگر در کلمه ای «واو» باشد و حرف قبل از «واو» در آن کلمه پیش (ضمّه) داشته باشد و حرف بعد از «واو» در آن کلمه همزه «ء» باشد، مثل کلمه سوء، بهتر است آن «واو» را مدّ بدهد، یعنی آن را بکشد، و همچنین اگر در کلمه ای «الف» باشد و حرف قبل از «الف» در آن کلمه زیر (فتحه) داشته باشد و حرف بعد از «الف» در آن کلمه همزه باشد، مثل جاء، بهتر است «الف» آن را بکشد و نیز اگر در کلمه ای «ی» باشد و حرف پیش از «ی» در آن کلمه زیر (کسره) داشته باشد و حرف بعد از «ی» در آن کلمه همزه باشد، مثل جی «ء» بهتر آن است «ی» را با مدّ بخواند، و اگر بعد از این «واو» و «الف» و «ی» به جای همزه «ء» حرفی باشد که ساکن است، یعنی زیر و زبر و پیش ندارد، باز هم بهتر آن است این سه حرف را با مدّ بخواند، مثلاً در کلمه «وَلَا الضَّالِّينَ» که بعد از «الف» حرف «لام» ساکن است، بهتر آن است «الف» آن را با مدّ بخواند.

(مسئله ۳۶) احتیاط مستحب آن است که در نماز، «وقف به حرکت» و «وصل به سکون» ننماید و معنای وقف به حرکت آن است که زیر یا پیش آخر کلمه ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد. مثلاً بگوید «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرَّحِيم» را زیر بدهد و بعد قدری فاصله داده و کلمه بعدی را بخواند؛ و معنای «وصل به سکون» آن است که زیر یا زیر یا پیش کلمه ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند، مثلاً بگوید «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرَّحِيم» را زیر ندهد و بلافاصله کلمه بعدی را بخواند.

(مسئله ۳۷) هرگاه نمازگزار شك کند که آیه یا کلمه ای را درست گفته یا نه، اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد مثلاً در رکوع شك کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند؛ و اگر رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن «الله الصمد» شك کند که «قل هو الله احد» را درست گفته یا نه، باز هم می تواند به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید اشکال ندارد؛ و اگر چند مرتبه هم شك کند، می تواند چند بار بگوید، اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

(مسئله ۳۸) مستحب است نمازگزار در رکعت اول، پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند بگوید و حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند، و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد. اگر نماز را به جماعت می خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می خواند، بعد از آنکه حمد خودش تمام شد، بگوید: «الحمد لله رب العالمين»، و بعد از خواندن سوره «قل هو الله احد»، يك يا دو يا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»، یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» بگوید، بعد از خواندن سوره کمی صبر کند بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند.

(مسئله ۳۹) مستحب است نمازگزار در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «انا انزلناه» و در رکعت دوم، سوره «قل هو الله احد» را بخواند.

(مسئله ۴۰) مکروه است نمازگزار در تمام نمازهای يك شبانه روز، سوره «قل هو الله احد» را نخواند.

(مسئله ۴۱) خواندن سوره «قل هو الله احد» با يك نفس، مکروه است.

(مسئله ۴۲) سوره ای را که در رکعت اول خوانده، مکروه است در رکعت دوم بخواند، ولی اگر سوره «قل هو الله احد» را در هر دو رکعت بخواند، مکروه نیست.

(مسئله ۴۳) نمازگزار در هر رکعت، بعد از قرائت، باید به اندازه ای خم شود که بتواند دستهایش را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می گویند.
(مسئله ۴۴) قرآن خواندن در سجده، مکروه است؛ همچنین است اگر برای برطرف کردن گرد و غبار، جای سجده را فوت کند؛ و اگر در اثر فوت کردن، دو حرف از دهان بیرون آید، نماز باطل است. و مکروهات دیگری هم هست که در کتابهای مفصل گفته شده است.

(مسئله ۴۵) در هر يك از چهار سوره «سجده»، «فُصِّلَتْ»، «نَجْم» و «علق»، يك آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد، باید سجده نماید.

(مسئله ۴۶) اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود، چنانچه گوش داده، دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده، يك سجده کافی است.

(مسئله ۴۷) در غیر از نماز، اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

(مسئله ۴۸) اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، بشنود، یا از طریق رادیو یا نوار آیه سجده را بشنود، لازم نیست سجده نماید؛ ولی اگر از وسیله ای مثل بلندگو که صدای خود انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند.

(مسئله ۴۹) در سجده واجب قرآن، نمی توان بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد؛ ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است، لازم نیست مراعات کنند.

(مسئله ۵۰) در سجده واجب قرآن، باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرد.

(مسئله ۵۱) هرگاه در سجده واجب قرآن، پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگرچه ذکر نگوید کافی است و گفتن ذکر، مستحب است و بهتر است بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِمَانًا وَ تَصْدِيقًا؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقَاءً؛ سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ تَعَبُّدًا وَ رِقَاءً؛ لَا مُسْتَكْبِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا؛ بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

(مسئله ۵۲) مستحب است انسان بعد از نماز، مقداری مشغول خواندن تعقیب شود یعنی ذکر و دعا بخواند؛ و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو یا غسل و یا تیمم او باطل شود، رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند بخواند، و از تعقیبهایی که خیلی سفارش شده است، تسبیح حضرت زهرا ۳ است که باید به این ترتیب گفته شود: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ اکبر»، بعد سی و سه مرتبه «الحمد لله» و بعد از آن سی و سه مرتبه «سبحان الله».

(مسئله ۵۳) خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد، اگرچه به فارسی یا زبان دیگری باشد.

(مسئله ۵۴) اگر نمازگزار در بین خواندن آیه ای شك کند که آیه پیش را خوانده یا نه یا وقتی آخر آیه را می خواند شك کند که اول آن را خوانده یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

(مسئله ۵۵) قرآن و انگشتر و شمشیر میّت و لباسی را که پوشیده یا برای پوشیدن دوخته یا خریده است، اگرچه پوشیده باشد که «حجوة» نامیده می شود، جزو مختصات پسر بزرگتر است که بابت سهم الارث حساب می شود، و اگر میّت از این چهار چیز بیشتر از یکی دارد، مثلاً دو قرآن یا دو انگشتر دارد، چنانچه مورد استعمال است یا برای استعمال مهیا شده از مختصات پسر بزرگتر است، که از سهم الارث محسوب می شود.

(مسئله ۵۶) اگر پسر بزرگ میّت بیش از یکی باشد، مثلاً از دو زن او در يك زمان دو پسر به دنیا آمده باشد، باید لباس و قرآن و انگشتر و شمشیر میّت را به طور مساوی بین خودشان قسمت کنند.

احکام متفرقه قرآنی

(مسئله ۵۷) کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد صحیح است، چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر.

(مسئله ۵۸) در هنگام نماز، مکروه است نمازگزار صورت را کمی به طرف راست یا چپ برگرداند و چشمها را ببندد، یا به طرف راست و چپ بگرداند و با ریش و دست خود بازی کند و انگشتها را داخل هم نماید و آب دهان بیندازد و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتری نگاه کند، همچنین است موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود؛ بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد، مکروه است.

(مسئله ۵۹) اگر شك کند که تکبیر الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده، به شك خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید.

(مسئله ۶۰) خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن، برای حائض مکروه است.

(مسئله ۶۱) شکافتن قبر در چند مورد، حرام نیست:

اول، آنکه میت در زمین غصبی دفن شده باشد، و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند؛
دوم، آنکه کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد، و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند؛ همچنین است اگر چیزی از دارایی خود میت که به ورثه او رسیده با او دفن شده باشد، و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند؛ ولی اگر چیز مختصری از دارایی او که به ورثه به ارث رسیده، مانند انگشتر و امثال آن با او دفن شده باشد، جواز نیش برای درآوردن آن محل تأمل و اشکال است، خصوصاً اگر اجحاف بر ورثه نباشد، و اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند، در صورتی که وصیتش بیشتر از یک سوم دارایی او نباشد، برای بیرون آوردن اینها نمی توانند قبر را بشکافند؛

سوم، آنکه میت بدون غسل یا بدون کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته اند؛

چهارم، آنکه برای ثابت شدن حقی، بخواهند بدن میت را ببینند؛

پنجم، آنکه میت را در جایی که بی احترامی به اوست — مثل قبرستان کفار یا جایی که زباله می ریزند — دفن کرده باشند؛

ششم، آنکه برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را بشکافند، مثلاً بخواهند بچه زنده را از رحم زن حامله ای که دفنش کرده اند، بیرون آورند؛

هفتم، آنکه بترسند درنده ای بدن میت را پاره کند، یا سیل او را ببرد یا دشمن بیرون آورد؛

هشتم، آنکه قسمتی از بدن میت را که با او دفن نشده، بخواهند دفن کنند؛ ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.

(مسئله ۶۲) در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن، یک سوره تمام بخواند.

(مسئله ۶۳) اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری، مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر، نتواند آن را تمام نماید، می تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند، اگرچه از نصف گذشته باشد یا سوره ای را که می خوانده «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» باشد.

(س ۶۴) به نظر حضرت عالی، استماع غنا چه حکمی دارد و چه غنای حرام است؟

ج — به نظر این جانب تبعاً لبعض الأعلام من الفقهاء (قدس سره) حرمت موسیقی و غنا، حرمت محتوایی است و هر صوت و غنا و موسیقی ای که در آن ترویج بی بند و باری و بی عفتی باشد و یا برای عیاشی و هوسرانی عیاشان و هوسرانان خودخواه و غیر متعهد و یا ترویج باطل و تخدیر افکار و به انحراف فکری کشاندن انسانها باشد و یا از اسلام، چهره ای ناخوشایند و خلاف سهولت و عدالت نشان دادن و... باشد امثال موارد، در همه و همه، غنا و موسیقی اش هم حرام است، و عامل و خواننده و مستمع، مرتکب دو حرام شده اند و حتی اگر آیه ای از قرآن هم برای ترغیب به کار حرام و باطل با غنا خوانده شود، غنای آن هم حرام است، چه رسد به غنا و موسیقی نسبت به سنت و مسائل دیگر اسلامی.

(مسئله ۶۵) موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می آورد، بلکه بنا بر احتیاط مستحب در موقع سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

(مسئله ۶۶) اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، لازم نیست دوباره نماز را بخواند و یا اگر وقت گذشته، قضا نماید.

(مسئله ۶۷) در سجده قرآن باید طوری عمل نماید که بگوید سجده کرد و شرائط سجده را در نماز است لازم نیست مراعات کنند.

(مسئله ۶۸) طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.

(مسئله ۶۹) ذکر و قرائت قرآن در نماز غیر از سوره هائی که سجده واجب دارد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد اگرچه به فارسی یا زبان دیگری باشد و اگر نمازگزار کلمه ای را به قصد ذکر بگوید مانند «الله اکبر» و در موقع گفتن صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد.

(مسئله ۷۰) اگر نمازگزار کلمه ای را به قصد ذکر بگوید، مثلاً به قصد ذکر بگوید: «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد؛ ولی چنانچه به قصد اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نمازش باطل می شود.

(مسئله ۷۱) خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد، اگرچه به فارسی یا زبان دیگری باشد.

(مسئله ۷۲) نامهای دیگر خداوند یکتا مانند رحمن — رحیم — قدیر — بصیر — خالق اگر به عنوان کلمه قرآن و یا اسم خداوند نوشته شده باشد همانند خط قرآن بوده و تماس بدن با آن بدون طهارت حرام است.

(مسئله ۷۳) اسماء مقدسه پیشوایان معظم و گرامی دین (چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین) نیز مانند آیات قرآن و نامهای خداوند و اسامی پیشوایان معصوم بدون قصد قرآنی و اسامی مقدسه نوشتن شود تماس بدون با آنها بدون طهارت مانعی ندارد مانند موسی — مریم — حق — کریم — فاطمه که در نوشتن آنها مقصد دیگری داریم.

(مسئله ۷۴) کسی که می خواهد با انگشت خود کلمه های قرآن را روی چیزی بنویسد، اگر اثر انگشت او باقی می ماند باید طهارت داشته باشد.

(مسئله ۷۵) خوردن تمام یا قسمتی از کلمه های قرآنی که روی نان یا شیرینی و یا هر خوراکی دیگر نوشته شده، اشکالی ندارد به ویژه اگر به قصد شفای از بیماری باشد. ولی باید در حال طهارت خورده شوند.

(مسئله ۷۶) اگر کسی بخواهد کلمه یا حرفی از قرآن را بر بدن خود بنویسد، واجب است طهارت داشته باشد.

(مسئله ۷۷) باقی ماندن خط یا حرفی از قرآن بر بدن کسی که طهارت ندارد، حرام است و واجب است پیش از آنکه طهارت او از بین برود، آن را محو کند.

(مسئله ۷۸) اگر کلمه های قرآن به گونه ای نوشته شود که در زیر صفحه (کاغذ یا فلزی) ایجاد برجستگی مستقیم یا معکوس نماید. چنانچه برجستگی ها خوانا باشند، مسّ آنها بدون طهارت حرام است.

(مسئله ۷۹) مسّ حروفی که در قرآن خوانده نمی شوند مانند: الف در کلمه قالوا بدون طهارت حرام است.

(مسئله ۸۰) دست زدن یا تماس بدن انسان با جلد نوار ضبط صوت و نوار فیلم ویدئو که قرآن روی آن ضبط شده باشد بدون طهارت اشکالی ندارد.

(مسئله ۸۱) اگر خط قرآن را با شیشه یا زوروق و یا چیز دیگر پوشانده باشند دست کشیدن روی آن بدون طهارت اشکالی ندارد و همچنین تماس بدن انسان با خطوط قرآن که در آینه افتاده باشد مانعی ندارد.

(مسئله ۸۲) در حرام بودن تماس بدن انسان با خط قرآن بدون طهارت فرق نمی کند که قرآن روی کاغذ نوشته شده باشد یا جسم دیگری به صورت بریده کاغذ باشد یا گچ، یا هر جسم دیگری، برجسته باشد یا گود، بر روی فیلم باشد یا اسلاید یا از فیلم و اسلاید بر روی پرده و یا دیوار انعکاس یابد یا با جوهری غیر جوهرهای معمولی نوشته شده باشد. مانند آب زعفران و یا آب پیاز (در صورتی که آب پیاز با حرارت رنگین و مشخص شده باشد).

(مسئله ۸۳) اگر به منظور آموزش، قرآن را در دسترس بچه ها قرار دهند، هر چند بدانند که بچه ها خط قرآن را مس می کنند اشکالی ندارد.

(مسئله ۸۴) در حرام بودن تماس بدن انسان با خط قرآن، میان عضوهای ظاهری بدن با عضوهای درونی مانند: زبان و دندان، فرقی نیست.

(مسئله ۸۵) اگر کسی آیه سجده را بشنود و یا با چشم بر آن مرور کند و یا از ذهن خود بگذراند، چون مشغول خواندن آن نیست سجده بر او واجب نمی شود.

(مسئله ۸۶) اگر کسی بجهت همه و سر و صدا و... کلمات آیه سجده را مبهم و نامشخص بشنود سجده بر او واجب نیست، اگر چه بهتر است در این حالت نیز سجده کند.

(مسئله ۸۷) کسی که آیه سجده را بیش از یکبار بخواند و یا بشنود باید برای هر بار سجده را تکرار کند.

(مسئله ۸۸) اگر گروهی به صورت همخوانی آیه سجده را بخوانند برای شنونده یکبار سجده کافی است.

(مسئله ۸۹) اگر کسی در حال خواندن نماز واجب، آیه سجده را بشنود باید به نیت سجده با سر اشاره کند و پس از نماز سجده را بجا آورد. ولی اگر در سجده نماز بشنود باید با چشم اشاره کند و پس از نماز سجده لازم نیست.

(مسئله ۹۰) اگر کسی در حال خواندن نماز مستحبی آیه سجده را بشنود، باید فوری سجده کند و چنانچه در حال سجود بشنود باید سر از سجده بردارد و پس از انجام سجده واجبه به نماز خود ادامه دهد.

(مسئله ۹۱) اگر کسی در حال سجده شکر، آیه سجده را بشنود، باید سر از سجده بردارد و سجده واجبه را انجام دهد.

(مسئله ۹۲) اگر کسی به غیر از آیه های سجده واجبه یکی از آیه های قرآن را که در آن امر به سجود و یا تشویق به آن شده است بخواند و یا بشنود، بهتر است سجده کند مانند: آخرین آیه سوره اعراف یعنی «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ».

(مسئله ۹۳) در همه حال خواندن قرآن فضیلت دارد، ولی در زمانهای خاصی سفارش بیشتری شده است، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف — ماه مبارک رمضان که بهار قرآن است.

ب — در تعقیب نمازهای شبانه روز، شب و روز جمعه.

ج — خواندن بالای سر محتضر، یعنی کسی که در حال مرگ و جان دادن است، مخصوصاً خواندن سوره های: یس، صافات، احزاب و آیه الکرسی، و آیه پنجاه و چهارم سوره اعراف: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي...» و سه آیه آخر سوره بقره.

- د - خواندن قرآن و هدیه دادن به برادران و خواهران دینی پس از مرگ آنان، بویژه خواندن سوره قدر. (مسئله ۹۴) کسی که می خواهد قرآن بخواند و یا آیات آن را بنویسد و یا آن را همراه خود داشته باشد و یا حاشیه ورق قرآن را مس کند در همه این موارد مستحب است وضو بگیرد.
- (مسئله ۹۵) خرید و فروش قرآن جایز نیست، بلکه باید آن را در مقابل بخششی هدیه داد.
- (مسئله ۹۶) مزد گرفتن برای آموزش قرآن به دیگری اشکال ندارد، ولی برای آموزش آنچه از قرآن که واجب است در نماز خوانده شود، جایز نیست.

احکام قرآنی بانوان

- (مسئله ۹۷) مستحاضه قلیله اگر بخواند غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواند جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب، وضویی که برای نماز گرفته، کافی نیست.
- (مسئله ۹۸) برای زن مستحاضه متوسطه و کثیره رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی ۹ و توقف در مساجد دیگر و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد، و همچنین نزدیکی شوهر با او در صورتی حلال است که غسل کند، اگرچه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل عوض کردن پنبه و دستمال، انجام نداده باشد.
- (مسئله ۹۹) اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواند پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند.
- (مسئله ۱۰۰) خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن، برای حائض مکروه است.
- (مسئله ۱۰۱) برای کسی که بعد از مس میت، غسل نکرده است، توقف در مسجد، جماع و خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد؛ ولی برای نماز و کارهایی که نیاز به وضو و طهارت دارد باید غسل کند.
- (مسئله ۱۰۲) توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر «حائض» حرام است، بر «نفساء» نیز حرام است؛ و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء نیز واجب و مستحب و مکروه است.
- (مسئله ۱۰۳) زن که در حال استحاضه است اگر غسلهایی را که بر او واجب است انجام داده باشد می تواند هر يك از سوره های عزائم را بخواند.
- (مسئله ۱۰۴) خواندن آیه ها و کلمه ها و حتی يك حرف از سوره های عزائم برای کسی که در حال جنابت است و زن که در عادت ماهانه و یا در حالت نفاس می باشد حرام است.

احکام قرآنی بانوان در استفتائات

حضرت آیه الله العظمی صائمی «مد ظله العالی»

- (س ۱۰۵) آیا خواندن آیاتی از چهار سوره قرآن که سجده دارد در هنگام حیض کفاره دارد یا نه؟ و اگر سهواً انجام شده باشد باید چه کند؟ (ج) کفاره ندارد.
- (س ۱۰۶) آیا زن حائض می تواند هفت آیه از غیر سوره های سجده دار را بخواند و تکرار کند؟ (ج) می تواند ولی مکروه است.
- (س ۱۰۷) هنگامی که در مراسم صبحگاهی مدرسه یکی از خواهران، قرآن را با صوت تلاوت می کند، دبیران مرد صدای وی را می شنوند، آیا بطور کلی تلاوت قرآن در صورت شنیدن نامحرم توسط خواهران گناه است؟ (ج) گوش دادن به صدای زن که متضمن تحریک شهوت و فساد و فتنه نباشد، مانعی ندارد.
- (س ۱۰۸) با توجه به این که قرائت قرآن به خودی خود مستحب است، کراهت قرائت آن برای اشخاصی چون جنب، حائض و نفساء به چه معناست؟ (به معنی کم شدن ثواب است یا بهتر بودن ترك آن) . (ج) یعنی بهتر بودن ترك می باشد.
- (س ۱۰۹) آیا مرد می تواند مهریه همسر خود را فقط يك جلد کلام الله مجید قرار دهد؟

- (ج) مانعی ندارد و معیار در مهر رضایت طرفین است ولی بطور کلی به نظر اینجانب قرارداد مهر کم مستحب نیست .
- (س ۱۱۰) آیا زن می تواند در موقع اجراء عقد نکاح با شوهر شرط کند که در امر تدریس کماکان ادامه بدهد و در جلسات مختلف شرکت کند یا نه؟ (ج) مانعی ندارد .
- (س ۱۱۱) آیا زن در ایام استحاضه می تواند قرآن تلاوت نماید و میزان آن چقدر است؟ (ج) مانعی ندارد ولی اگر استحاضه متوسطه یا کثیره باشد برای خواندن سورهائی که سجده واجب دارد باید غسل نماید.
- (س ۱۱۲) اگر زنی بوسیله خوردن قرص از حیض خود جلوگیری نماید، آیا می تواند با آن حال قرآن بخواند یا خیر؟ (ج) مانعی ندارد.

استفتائات قرآنی از محضر

حضرت آیه الله العظمی صانعی «مد ظله العالی»

- (س ۱۱۳) در روزهای جمعه و در صف جماعت دیده می شود که بعضی از برادرها روزنامه می آورند و روی آن می نشینند و نماز می خوانند و مسلماً در روزنامه آیات قرآن یا اسم خدا یا کلمه «الله» یا اسم ائمه (علیهم السلام) می باشد، آیا نماز صحیح است یا خیر؟ (ج) با یقین به اینکه روزنامه زیر پا افتاده آیات قرآنی دارد بخاطر هتک نشستن روی آن حرام است و با عدم یقین حرام نبوده و نماز صحیح است .
- (س ۱۱۴) آیا انداختن آیات قرآن و اسماء خداوند تبارک و تعالی، بعد از تغییر شکل مثل پاره کردن و یا قطعه قطعه کردن آن بصورتی که موقع خواندن معنای آن مشخص نباشد جایز است یا خیر؟ (ج) چون دیگر نوشته اسماء حسنی یا قرآن بر آن کاغذها صدق نمی کند حکم کاغذهای دیگر را دارد.
- (س ۱۱۵) آیا انداختن اسماء جلاله خداوند در زیاله دان، بدون قصد اهانت جایز است یا نه، در صورتیکه انداخته باشند حکمش چیست؟ (ج) اگر عرفاً مصداق هتک باشد جایز نیست .
- (س ۱۱۶) اینجانب یکی از ایرانیان خارج از کشور هستم که هر چند وقت یکبار روزنامه های ایرانی برایم فرستاده می شود و مقدار زیادی از آنها را جمع کرده ام؛ چون آیات قرآن در آنهاست نمی دانم آنها را چه کنم آیا می توانم آنها را به دور بریزم و یا اینکه در دریا بیندازم؟ (ج) ریختن آنها به دریا مانعی ندارد.
- (س ۱۱۷) در بعضی از شهرستانها کویتهای باطل شده خواربار که بیشترشان آرم جمهوری اسلامی و یا آیه قرآن بر روی آنها می باشد، سوزانده می شود آیا این کار شرعاً جایز است یا نه؟ (ج) سوزاندن جایز نیست .
- (س ۱۱۸) در نمازها واجب است که در رکعت اول یا دوم یکی از سوره های قرآن کریم را بخوانیم، آیا هر سوره به جز ۴ سوره که سجده واجب دارد می توانیم بخوانیم یا خیر؟ حتی بقره؟ (ج) خواندن کلیه سوره های قرآن به جز سوره های سجده دار مانعی ندارد .
- (س ۱۱۹) آیا در نوافل هم بعد از حمد در صورتی که بخواهد سوره ای بخواند، باید آن سوره را کامل بخواند یا می شود به چند آیه از يك سوره اكتفا کرد؟ (ج) می توان به چند آیه از يك سوره اكتفا کرد.
- (س ۱۲۰) آیا ادا کردن کلمات در نماز از مخرج واقعیشان واجب است؟ (ج) خواندن حمد و سوره و قرآن به همان نحوی که مسلمانان می خوانند، مجزی است.
- (س ۱۲۱) اگر کسی در مورد قرائت صحیح و نماز اطلاعی نداشته و کسی برای او نگفته است و تاکنون نماز را از نظر قرائت صحیح حروف، غلط خوانده باید نمازهای قبلی را قضا نماید؟ و آیا این حکم در مورد عامه مردم که تاکنون نماز را غلط خوانده اند نیز صادق است؟ (ج) نمازهای خوانده شده محکوم بصحت است و قضا ندارد.
- (س ۱۲۲) آیا خواندن تشهد یا قرآن در هنگام نیم خیز در نماز جماعت واجب است یا خیر؟

(ج) واجب نیست.

(س ۱۲۳) اگر کسی در ماه مبارک رمضان آیه قرآن و یا حدیث را که می خواهد از قول امام معصوم نقل کند، غلط بخواند و قصدش این بوده صحیح بخواند لیکن در ضمن که می خواند متوجه می شود دارد غلط می خواند. آیا وقتی که فهمید غلط می خواند اگر ادامه بدهد روزه اش باطل می شود یا نه؟ و در صورتی که متوجه روزه اش نباشد حکم روزه اش چیست؟

(ج) اگر غلط خواندن قرآن و حدیث موجب تغییر معنی شود و آن معنی غلط را بخواند به خدا و رسول نسبت دهد موجب بطلان روزه می شود.

(س ۱۲۴) اگر کسی بخاطر انجام کار خیری مثل تلاوت قرآن وضو بگیرد ولی بعد از آن از انجام آن منصرف شود آیا وضوی او باطل است یا نه؟ (ج) وضو باطل نیست.

(س ۱۲۵) آیا مس کردن نقش آرم جمهوری اسلامی ایران که روی نامه ها و بلیط های اتوبوس و.. می باشد حرام است؟

(ج) جایز نیست و باید توجه داشت اعلام و تذکر به کسانی که به موضوع علم ندارند لازم نیست.

(س ۱۲۶) آیا مس و به دست کردن انگشتی که بر روی آن نوشته شده است (الله بصیر بالعباد) و یا قرآن مجید در جیب بدون وضو برای یاد خدا درست است یا نه؟

(ج) مس قرآن بدون وضو جایز نیست.

(س ۱۲۷) آیا مس کردن کلماتی از قرآن مانند ابلیس، شیطان، کفار، ابولهب، و... در صورتی که شخص وضو نداشته باشد حرام است؟

(ج) جایز نیست و باید توجه داشت اعلام و تذکر به کسانی که به موضوع علم ندارند لازم نیست.

(س ۱۲۸) اگر کسی جنب باشد و سوره هایی که خواندنش برای او حرام است به فکرش خطور کند و هر چه سعی کند از فکرش نرود آیا گناهی کرده است؟

(ج) مجرّد خطور در ذهن حرام نیست.

(س ۱۲۹) کسی که آب نداشته یا آب برای او ضرر داشته و تیمم بدل از غسل جنابت کرده، آیا می تواند نماز را با جماعت بخواند و می تواند به مسجد برود؟ و حکم او در خواندن قرآن چیست؟

(ج) مادامی که عذر (غیر از تنگی وقت) باقی است مانعی ندارد.

(س ۱۳۰) بعد از غسل جنابت وضو برای نماز لازم نیست، آیا با این غسل می توان نافله نماز را هم خواند یا قرآن را مس نمود؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۳۱) اینجانب می توانم عربی بخوانم ولی معنی آن را درک نمی کنم ولی انگلیسی را به خوبی متوجه می شوم بر اساس حدیث نبوی که هر کس يك آیه از قرآن در ماه مبارک رمضان بخواند مانند مطالعه تمامی قرآن است، آیا اگر به انگلیسی هم خوانده شود. همین طور است؟ اگر کسی قرآن به عربی بخواند و معنی آن را نفهمد باز هم ثواب خواهد داشت؟

(ج) خواندن قرآن ثواب دارد و بهتر است همراه با فهم و تدبر باشد.

(س ۱۳۲) آیا به کسی که قرائت نماز او صحیح نیست ولی در مقام اصلاح است می شود نیابت حج واگذار کرد؟

(ج) اگر قرائت خود را در وقت عمل صحیح انجام دهد نیابت مانعی ندارد.

(س ۱۳۳) خواندن آیات قرآن به صورت سرود آهنگ دار جایز است یا نه؟

(ج) اگر آهنگ دارای محتوای باطل و یا ترویج طاغوت و یا تخریب افکار نباشد مانعی ندارد.

(س ۱۳۴) آخر بعضی از کلمات مکسور است آیا می توانیم در نماز آنها را به صورتی اشباع کنیم که صدای یاء تولید شود؟ مثلاً «مغضوب» را «مغضوبی» بخوانیم؟

(ج) قرائت بر طبق قرائت قراء سبعه، مانعی ندارد و قرائت به صورتهای دیگر جایز نیست.

(س ۱۳۵) در بعضی از کلمات نماز مانند: «علیهم»، «علینا»، «غیر» و «لیله»، حرف ماقبل یاء رابه صورت مکسوره می خوانند مانند: «علیهم» و

«غیر» در صورتی که در زبان عرب، یا ماقبل مکسور را به صورت اشباع باید خواند و این چنین تلفظی از نظر لغت صحیح نیست، به هر حال منتظر نظر شریف حضرت عالی هستیم؟

(ج) باید با فتحه خوانده شود.

(س ۱۳۶) می خواستیم بدانم اصلاً استخاره با تسبیح یا قرآن یا استخاره ذات الرقاع از نظر اسلام در مسایل مهم زندگی مثل ازدواج و تصمیم گیریهای

مهم صحیح است یا نه؟

(ج) مشورت با خداوند متعال و استخاره از طرق مأثوره برای رفع تحیر، اشکال ندارد و تحیر در موقعی است که انسان از عقل و علم خود و مشورت با دیگران نتوانسته به نتیجه ای برسد.

(س ۱۳۷) آیا در همه موارد می توان با قرآن استخاره کرد یا موارد خاص دارد، فی المثال در مورد طلاق گرفتن یا نگرفتن می شود استخاره کرد یا نه؟ و دیگر اینکه اگر شخصی استخاره کند و به آن عمل نکند چگونه است؟

(ج) ظاهراً استخاره اختصاص به حال تردّد و تحیر دارد، یعنی وقتی که انسان از جهت مشورت و عقل و علم متحیر بماند، و هیچ طرفی برطرف دیگر ترجیح نداشته باشد، در آن مورد می تواند استخاره نماید. و به هر حال عمل به استخاره واجب شرعی نیست.

(س ۱۳۸) تبدیل قرآن و کتب وقف شده در مساجد به احسن چه صورت دارد؟

(ج) تا موقعی که قابل استفاده است تبدیل جایز نیست.

(س ۱۳۹) احتراماً معروض می دارد؟ بعضی از اشخاص خیر، قرآن کریم را به صورت جزوه به مساجد برای قرائت اهداء می کنند و در جلد جزوها، وقفنامه یا عکس واقف را می چسبانند. بعضی از اشخاص، این وقفنامه ها یا عکس اشخاص را پاره می کنند و بیرون می ریزند، در شرع مقدس اسلام این کار چه حکمی دارد؟

(ج) پاره کردن وقف نامه ها و آنچه که موجب تصرف در وقف باشد جایز نیست.

(س ۱۴۰) لطفاً بفرمایید:

۱ — کسی که نذر کرده است چند عمل را با هم انجام دهد، مثلاً سه روز هم روزه بگیرد و هم با وضو باشد و مثلاً سه جزء قرآن بخواند و به فقیر هم اطعام کند، حال اگر یکی از اینها را انجام ندهد مثلاً قرآن را نخواند در حالی که می توانسته بخواند چه کار باید بکند؟ آیا باید نذر خود را بهم بزند و کفّاره بدهد؟ کفّاره اش چقدر است؟

۲ — کسی که موقع نذر کردن و خواندن صیغه به تمام جوانب مسأله توجه نداشته، مثلاً توجه نداشته که وضو همیشگی در طول این مدت امکان ندارد و مواردی برایش پیش بیاید که طبق نذر عمل نکند تکلیف چیست؟

(ج) ۱ — در صورتی که به نذر عمل ننماید باید کفاره حنث نذر بپردازد.

۲ — اگر قادر به انجام نذر نبود نذر منعقد نشده.

(س ۱۴۱) در نماز واجب برای توجه بیشتر یا جبران عدم توجه، می توان سوره مبارکه «حمد» را دوباره قرائت کرد؟

(ج) اگر موجب وسواس نشود بقصد قرائت قرآن مانعی ندارد.

(س ۱۴۲) اگر شخصی در نماز ظهر سهواً حمد و سوره را بلند بخواند یا در نماز مغرب سهواً حمد و سوره را آهسته بخواند نمازش باطل است یا صحیح؟

(ج) در مفروض سوال نمازش صحیح است.

(س ۱۴۳) در موقع نماز ظهر یا مغرب و عشاء جلسه قرآن در مسجد ادامه پیدا می کند اگر تراجم بین نماز جماعت و جلسه قرآن پیش آمد، کدام يك

مقدم است؟

(ج) اقامه جماعت مقدم است.

(س ۱۴۴) آیا پدر می تواند فرزند خود را بخاطر سرپیچی در یادگیری قرآن، تأدیب نماید یا خیر؟

(ج) ترغیب و تشویق فرزند به یادگیری قرآن مستحب است و اعمال خشونت نسبت به فرزند خصوصاً در اعمال عبادی جایز نیست.

(س ۱۴۵) آیا پدر می تواند یاد گرفتن قرآن را بر فرزند واجب نماید و اگر گفت من راضی نیستم کوتاهی نمایی، بر فرزند واجب می شود یا خیر؟

(ج) واجب نیست و آنچه حرام است ایذاء والدین می باشد.

(س ۱۴۶) آیا با توهین و فحاشی به قرآن (العیاذ بالله) مسلمان مرتد می شود یا نه و تکلیف کسانی که می بینند او مکرراً توهین می کند چیست؟

(ج) توهین و فحاشی به قرآن حرام است و بر بینندگان امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایطش واجب است.

(س ۱۴۷) اگر کسی قسم دروغ به قرآن، عمداً خورد و بعداً پشیمان شد وظیفه او چیست؟

(ج) با فرض پشیمانی و توبه وظیفه ای دیگر ندارد.

(س ۱۴۸) اگر کسی که چشم درد دارد و مطالعه برای چشم او ضرر دارد، ولی به جهت علاقه به قرآن هر روز مقداری تلاوت می کند؛ آیا تلاوت

قرآن برای او جایز است یا نه؟

(ج) اگر ضرر معنی به نباشد مانعی ندارد.

(س ۱۴۹) آیا گرفتن اجرت در برابر تلاوت قرآن، جایز است یا نه؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۵۰) کسی علاقه زیادی به تلاوت قرآن دارد، ولی آن را غلط می خواند و سعی دارد که غلط نخواند، لطفاً بفرمایید خواندن بهتر است یا ترك آن؟
(ج) غلط خواندن قرآن به طور عمدی، جایز نیست، اما اگر برای یاد گرفتن باشد مانعی ندارد.

(س ۱۵۱) یاد دادن قرآن به فرزند غیر ممیز، جایز است یا خیر؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۵۲) اگر بچه غیر بالغی یکی از سوره های که سجده واجب دارند بخواند، آیا برای آن کسانی که آنرا می شوند، سجده واجب است یا خیر؟

(ج) اگر آیه ای که سجده واجب دارد را بشنوند سجده واجب می شود.

(س ۱۵۳) اگر کسی نذر کند اگر مشککش بر طرف شد، هر روز ۳ جزء قرآن را تلاوت نماید؛ ولی اکنون با توجه به شغلش مقدور نیست، وظیفه او چیست؟ آیا لازم است کار خود را تعطیل نموده و به تلاوت قرآن پردازد یا نه؟

(ج) کسی که کار یا چیزی را در وقت معین نذر کرده است، اگر قدرت و توانایی اش در هنگام ادای نذر از بین برود و یا مانند مورد ذکر شده در سؤال مشقت داشته باشد، عمل به نذر بر او واجب نیست.

(س ۱۵۴) تشکیل جلسات قرآن در مکان غصبی چه صورتی دارد؟

(ج) جایز نیست.

(س ۱۵۵) آیا سوزاندن قرآنی که ورق ورق شده و قابل نگهداری و استفاده نیست، جایز می باشد؟ آیا می شود آنرا سوزاند و خاکستر آنرا دفن کرد یا خیر؟ در صورتی که کسی چنین کرده باشد تکلیفش چیست؟

(ج) سوزاندن جایز نیست، و اگر عمداً باشد باید توبه نماید.

(س ۱۵۶) اخیراً لباسهایی وارد شده که بر روی آن اسماء الله جلالة (الله) نوشته شده است، آیا پوشیدن چنین لباسهایی جایز است یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن، تکلیف کسی که آنرا می پوشد چیست؟

(ج) مَس آنها بدون طهارت جایز نیست.

(س ۱۵۷) شخصی قسم خورده تا مدت یکسال هر روز به بالای قبر پدرش رفته و يك جزء قرآن را تلاوت نماید، ولی بعدها به سبب زمستان و سرما و یا گرمای بیش از حد، قدرت خواندن بالای قبر را ندارد، آیا می تواند در منزل آن مقدار را قرائت نماید و همچنین آیا می تواند شبهای تابستان به بالای قبر رفته و تلاوت نماید یا خیر؟

(ج) کسی که کار یا چیزی را در وقت معین نذر کرده است، اگر قدرت و توانایی اش در هنگام ادای نذر از بین برود و یا مانند مورد ذکر شده در سؤال مشقت داشته باشد، عمل به نذر بر او واجب نیست.

(س ۱۵۸) در صورتی که پدر به فرزند بگوید راضی نیستم قرآن بخوانی یا در جلسه قرآن شرکت کنی، آیا بر فرزند لازم است گوش به حرف پدر بدهد یا نه؟

(ج) ایذای پدر و مادر حرام است و اطاعت از آنها در حدی که باعث شکست و جلوگیری از رشد فرزند نباشد، مطلوب است.

(س ۱۵۹) اگر کسی قرآنی را به دیگری هدیه بدهد، آیا می تواند آنرا پس بگیرد یا نه؟

(ج) اگر اصل و عین قرآن هدیه داده شده باقی باشد، و به ذوی الارحام هم هدیه نداده باشد جایز است.

(س ۱۶۰) زمینی را برای ساخت حسینه اهداء نمودند و به جهت وجود حسینه نیاز به ساخت حسینه نیست؟ آیا می شود در آن زمین دار القرآن احداث کرد یا خیر؟

(ج) اگر برای حسینه وقف شده باید طبق وقف عمل شود.

(س ۱۶۱) آب انبارهایی که قبلاً مورد استفاده اهالی بوده و اکنون نیازی به آن نیست، آیا اجازه می فرمایید در آن مکان، دارالقرآن جهت جوانان احداث نمود یا خیر؟

(ج) اگر وقف نباشد مانعی ندارد.

(س ۱۶۲) آیا از پولی که در محرم و ماه رمضان برای خرج مسجد و عزاداری جمع آوری می گردد، می شود جهت هیأت قرآن و کلاسهای مسجد، قرآن و تخته سیاه و لوازم دیگر خرید یا خیر؟

(ج) اگر در خصوص مخارج مسجد و عزاداری جمع آوری می شود و مردم نیز به این نیت پرداخت می کنند صرف آن در طرق دیگر جایز نیست.

(س ۱۶۳) آیا مسجدی که خراب شده است، می شود قرآنها و مفاتیح آنرا در مسجد دیگری در شهر یا روستا، مورد استفاده قرار داد و از آن مسجد خارج نمود؟

(ج) اگر امکان استفاده از آنها ولو در آینده نزدیک نباشد اشکال ندارد.

(س ۱۶۴) شخصی وصیت کرده تا قرآنهاييکه مدتها آنها می خوانده است با او در قبر بگذارند، آیا عمل به این وصیت جایز است یا نه؟

(ج) بطور کلی عمل به وصیت واجب است بشرط آنکه مصداق هتک نباشد و یا اینکه موجب آلودگی قرآنها نشود و بمر حال اگر زائد بر ثلث باشد اجازه ورثه لازم است .

(س ۱۶۵) لطفاً بفرمایید وظیفه ما، در برابر کسی که علناً قرآن را اهانت و فحش می دهد چیست؟

(ج) وظیفه امر به معروف و نهي از منکر است با وجود شرائطش .

(س ۱۶۶) در صورتی که قرآن یا صفحه ای از آن در اثر آفتاب و یا باران ، خطوط آن از بین رفته و قابل خواندن نباشد و فقط سیاهی خطوط مقداری

معلوم باشد آیا در موقع لمس و مس آن، حکم قرآن جاری می شود؟

(ج) اگر حروف قرآن کاملاً محو شده حکم قرآن را ندارد.

(س ۱۶۷) خواندن قرآن با صدای بلند در مکانهای عمومی در صورتی که باعث آزار و اذیت دیگران شود چه حکمی دارد؟

(ج) صدای بلند گوی مساجد و تکایا در هنگام ایراد سخنرانی و مداحی و غیر آن ولو از امور مذهبی که باعث ناراحتی و اذیت افراد باشد

نباید به بیرون مسجد و تکیه برسد و حرام می باشد و انصاف نیز هم همین را اقتضا می نماید.

(س ۱۶۸) اگر شخصی دیگری را اجیر نموده تا يك ختم قرآن برای پدر او قرائت نماید و در مقابل اجرتی را دریافت نماید و بعد از ختم قرآن از

پرداخت اجرت خود داری می کند، آیا در مقابل اجرت ضامن است یا خیر؟

(ج) ضامن است .

(س ۱۶۹) قرآنی را مدتی قبل در یکی از پارکها پیدا کردم و آنرا برداشتم ، لطفاً بفرمایید تکلیف من نسبت به آن چیست؟

(ج) حکم اشیاء پیدا شده را دارد که در رساله مسئله ۲۶۰۳ و بعد از آن آمده است.

(س ۱۷۰) میتی وصیت نموده که بعد از فوت او سه ختم قرآن و حج و مبلغی به مسجد کمک نمایند، آیا ورثه می توانند ختم قرآن را مقدم بدارند؟

(ج) وصیت تا ثلث اموال نافذ است و اگر بیش از ثلث باشد اجازه ورثه لازم است و مقدم داشتن قرآن مانعی ندارد.

(س ۱۷۱) آیا قرائت سوره های طویل ، مثل بقره در نمازهای واجب، سبب خروج از حالت نمازگزار نمی شود، حتی اگر هر رکعت یکساعت طول

بکشد؟

(ج) موجب خروج از نماز نمی شود.

(س ۱۷۲) آیا نماز خواندن بر سجاده یا قالیچه هایی که بر آنها آیات قرآن نوشته شده است چه صورتی دارد، در حالی که در موقع نشستن و به سجده

رفتن، آیات قرآن زیر پا قرار می گیرد؟

(ج) جایز نیست و نماز اشکال دارد.

(س ۱۷۳) آیا فروش قرآن به کفار و اهل کتاب جایز است یا نه؟ بخصوص، اگر بدانیم آنان قصد توهین به قرآن را ندارند، بلکه جهت مطالعه آنها تهیه

کرده اند؟

(ج) جایز است .

(س ۱۷۴) قرائت قرآن از رو در نمازهای واجب، جایز است یا خیر؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۷۵) قراء معروفی که سوره یا آیتی از قرآن را با صوت زیبا می خوانند و آنرا بر روی نوار کاست یا ویدئو ضبط می کنند، آیا قاری می تواند

امتیاز آن را خرید و فروش کند یا خیر؟ و آیا باید دیگران در موقع تکبیر از او اجازه بگیرند یا نه؟

(ج) می تواند و اگر تکبیر آن را منع کرده باشد تکبیر نیاز به اجازه دارد.

(س ۱۷۶) کسی که قرآن را غلط می خواند، آیا امر به معروف و تذکر به او واجب است یا نه؟

(ج) غلط خواندن قرآن به طور عمدی، جایز نیست، اما اگر برای یاد گرفتن باشد مانعی ندارد و تذکر دادن به او لازم است.

(س ۱۷۷) شخصی قرآنی را از کسی به امانت گرفته بود و اکنون صاحب آن قرآن فوت نموده است ، تکلیف این شخص چیست؟

(ج) باید به ورثه متوفی بدهد.

(س ۱۷۸) کسی که نذر نموده است در صورت مشرف شدن به بیت الله الحرام، يك ختم قرآن در زیر ناودان طلا بجا آورد، ولی بعد از تشرف بدلیل

تعمیرات، امکان قرائت در آن مکان ممکن نشد؛ لطفاً بفرمایید وظیفه او چیست؟

(ج) اگر عمل نکردن به نذر به علت ناتوانی باشد و از اول هم می دانسته که ناتوان است، نذرش باطل بوده؛ ولی اگر از اول توانایی داشته و بعد توان عمل به نذر را از دست داده، تا وقتی که توانایی پیدا کند، چیزی بر او نیست.

(س ۱۷۹) کسی که قاری قرآن است و دائماً جهت قرائت او را به شهرهای مختلف دعوت می کنند، تکلیف نماز و روزه او چیست؟

(ج) یکی از مناط ها و معیارهای تمام بودن نماز و صحت روزه در سفر، زیادی سفر و کثرت آن است و این معنا با این که انسان بنا داشته باشد برای مدتی نسبتاً طولانی، حداقل قبل از ده روز يك مسافرت کند، محقق می شود و در این جهت، فرقی بین سفر شغل و غیر شغلی نیست.

(س ۱۸۰) اگر نماز گزار در حین انجام نماز بشنود که خواننده ای آیات سجده تلاوت می نماید، وظیفه او چیست؟

(ج) با اشاره سجده کند و بعد از نماز سجده کند و بنابر احتیاط نماز را اعاده نماید.

(س ۱۸۱) اگر به قصد خواندن قرآن با آب مسجدی وضو بگیرد و در آن مسجد نماز بخواند، آیا صحیح است یا خیر؟

(ج) در صورت عدم وقف بودن آن آب بر خصوص نماز گزاران آن مسجد صحیح است.

(س ۱۸۲) شخص جنب اگر قرآن همراه داشته باشد. اشکال دارد یا نه؟

(ج) در صورتی که آن را مس ننماید مانعی ندارد.

(س ۱۸۳) اگر بصورت غیر عمد، قرآن از دست انسان به زمین بیفتد؛ وظیفه ما چیست؟ آیا کفاره لازم است یا نه؟

(ج) کفاره ندارد.

(س ۱۸۴) اگر میت وصی را ملزم به يك ختم قرآن نموده باشد و او کسی را جهت تلاوت اجیر نماید و اجیر قرآن را ختم کند و وصی از پرداخت اجرت خوداری نماید، آیا بوصیت میت عمل شده یا خیر؟ در صورت نپراختن ثوابی به میت می رسد یا نه؟

(ج) به وصیت شخص متوفی عمل شده ولی وصی ضامن اجرت است.

(س ۱۸۵) گاو شیرده ای مقداری قرآن را بلعیده است، لطفاً بفرمایید وظیفه صاحب آن گاو چیست به خصوص در صورتی که ذبح آن موجب خسارت و ضرر زیاد بر صاحب گاو شود؟

(ج) وظیفه ای ندارد و ذبح واجب نیست.

(س ۱۸۶) دانش آموزانی که در کلاسهای قرآن در مدرسه شرکت می کنند اما وضوی آنان تمام شرایط را دارا نیست؟ لطفاً بفرمایید مس قرآن توسط آنان چه حکمی دارد، وظیفه مربیان آنان چیست؟

(ج) غیر بالغ تکلیفی ندارد و تذکر لازم نیست.

(س ۱۸۷) کسانی که اسماء جلاله یا آیاتی از قرآن را بر روی بدن خود خالکوبی نموده اند، لطفاً بفرمایید تکلیف این افراد نسبت به طهارت و جنابت و مس بدن خود، بدون وضو چیست؟

(ج) در صورتی که نوشته ها زیر پوست قرار گرفته باشد مس مانعی ندارد.

(س ۱۸۸) لطفاً بفرمایید گرفتن اجرت در مقابل تعلیم قرآن جایز است یا نه؟

(ج) جایز است.

(س ۱۸۹) آیا قبول هدایا از قبیل قرآن از حکام و سلاطین جایز است یا خیر؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۹۰) تزئین قرآن به اشیاء گرانبه به نحوی که باعث محبوس ماندن قرآن جهت محافظت گردد چه حکمی دارد؟ (مانند تزئین به طلا و سنگهای قیمتی و کارهای هنری روی قرآن به نحوی که موجب حبس گردد؟)

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۹۱) اخیراً مشاهده شده که قرآنها با قطع های بسیار کوچک جهت جاکلیدی یا آویزان کردن زیر آینه اتومبیل مورد استفاده قرار می گیرد، لطفاً حکم این عمل را بیان فرمایید؟

(ج) مانعی ندارد.

(س ۱۹۲) همراه داشتن قرآن یا قسمتی از آن در توالی چه حکمی دارد، لطفاً انجام این عمل به صورت عمد و یا غیر عمد را بیان فرمایید.

(ج) در صورتی که هتک و بی احترامی نباشد، جایز است.

(س ۱۹۳) تخریب ابنیه و مکانهایی که بر روی آنها آیات قرآن نوشته یا حک شده است (به قصد تعمیر) چه حکمی دارد؟ در صورت تخریب با خاک و باقیمانده آنها به چه نحو عمل شود؟

(ج) تخریب جهت تعمیر مانعی ندارد و اگر آیات قرآن محو شود ریختن آن در بیابان مانعی ندارد.

(س ۱۹۴) شخصی نذر کرده مقداری قرآن تلاوت نماید، آیا در ادای این نذر هنگام خواندن باید کلمات تلفظ شود؟ آیا خواندن بانگاه و گذارندن معانی در قلب بدون تلفظ به زبان، مجزی است یا خیر؟

(ج) بھر صورت که نذر کرده باید عمل نماید و گذرانندن معانی در قلب مجزی نیست .

(س ۱۹۵) اگر کسی در نماز بعد از حمد، سوره های را شروع کرد و متوجه شد که بعضی آیات آنرا فراموش کرده است وظیفه او چیست؟

(ج) می تواند آنرا رها کند و سوره دیگری بخواند .

(س ۱۹۶) اگر شخصی قرآنی را به دیگری اهداء نماید و در موقع اهداء شرط نماید که هر روز مقداری قرآن تلاوت کند، آیا برگیرنده هدیه قبول شرط

لازم است ؟ اگر بعد از گرفتن هدیه به شرط عمل نکند چه حکمی دارد؟

(ج) در صورت قبول هدیه عمل به شرط لازم است .